

خودنوسازی

محمد سرقلی

آموزگار پایه ششم دوره ابتدایی، فولادشهر

از دانش آموزان می خواستم تکالیف خود را بنویسند. سپس از مشکلاتی که در حین انجام تکالیف با آن روبرو می شوند عکس بگیرند و در گروه تکالیف بگذارند. دانش آموزان دیگر هم سعی کنند به سؤالات و مشکلات هم کلاسی های خود پاسخ دهند و در رفع اشکال ها با هم تعامل کنند. من تمام اعضای فعال و غیرفعال در فضای مجازی کلاس را زیر نظر داشتم. این در حالی بود که در کلاس حضوری کمتر موقعیتی برای بررسی تکالیف و مشارکت خود دانش آموز با معلم وجود داشت. معلم باید تکالیف را به سرعت بررسی می کرد و بازخورد می داد. این امکان فضای مجازی برای من بسیار خوشایند بود. در ضمن، برای دانش آموزان هم بسیار مفید بود، زیرا بدون دغدغه اتمام وقت، در مکانی که خودشان دوست داشتند، تکالیف را انجام می دادند.

با همه این تفاسیر، آموزش مجازی برای دانش آموزان پایه ششم من که متناسب با سنشان به برقراری رابطه عاطفی با معلمشان نیاز داشتند، مسیری چالش برانگیز بود. ارتباط چشمی برای تفهیم مفاهیم آموزشی بسیار مهم بود و این در کلاس مجازی تا حدودی از دانش آموزان دریغ شده بود. برگزاری کلاس در فضای مجازی، گرچه باعث می شد والدین درگیر فرایند تدریس فرزندشان شوند، اما آن ها سعی می کردند همچون معلمان در خانه، پایه پای دانش آموزان آموزش را ادامه دهند و در حل مشکلات درسی آن ها بکوشند. البته برای همه دانش آموزان چنین نبود. بسیاری از والدین سطح تحصیلات پایینی داشتند و نمی توانستند فرزند خود را در آموزش مجازی یاری کنند. شاید این خود نوعی نابرابری در آموزش تلقی می شود.

همین طور، به نظر من، مهم ترین کارکرد مدرسه، ارتباط با هم سالان، افزایش ظرفیت های اجتماعی و تقویت مهارت های زندگی جمعی است که در زیست بوم جدید شکل نمی گیرد. با همه این تفسیرها، آموزش در فضای مجازی افق جدیدی پیش روی آموزش و پرورش کل جهان گذاشت تا معلمان، والدین و دانش آموزان را با فرصت ها و محدودیت های خودشان آشنا کند. من، به عنوان معلم، از این تغییر نهایت بهره را خواهم برد، به صورتی که با افزایش سواد رسانه ای، تولید محتوای خلاق، استمرار در آگاهی بخشیدن به دانش آموزان درباره آموزش در فضای مجازی، سطح آموزش بر خط را در آموزش و پرورش کشورم ارتقا دهم. به امید روزهای خوب برای آموزش دانش آموزان این سرزمین و ارتقای سطح کیفی و کمی آموزش مجازی.

در تمام سال هایی که تدریس داشتم، همیشه ضرورت و لزوم آموزش مجازی را به عنوان معلم در آموزش و پرورش کشورم احساس می کردم. علاقه کم همکاران و حتی خیلی از دانش آموزان به کار کردن با ابزارهایی مثل گوشی هوشمند یا رایانه برای تدریس یا آموزش دیدن، باعث می شد فکر کنم تحقق این آرزو بسیار سخت و دشوار است. اما بعد از شیوع ویروس کرونا، تمام ورق ها برگشت. پس از کش و قوس های فراوان در مدرسه، سرانجام با اعلام وزارت آموزش و پرورش، کلاس ها به صورت مجازی برگزار شدند. در ابتدا همه چیز آشفته به نظر می رسید. شاگردانم آشفته بودند و والدینشان بیشتر. خیلی از همکاران و حتی خود من هم نگران بودیم. به هر حال کلاس های مجازی با تمام موانع برگزار شدند تا برای ما که همیشه کلاس هایمان معلم محور و متمرکز اداره می شدند و به خلاقیت در کلاس درس توجه چندانی نداشتیم، هم فرصت ها و فایده برگزاری به این شیوه مشهود و مشخص دیده شود و هم محدودیت ها و موانع آن ها.

آموزش مجازی کمک کرد من و همکارانم تا حدود زیادی در تولید محتوا ابتکاری عمل کنیم. این شرایط آموزش را از حالت متمرکز خود دور کرد. همچنین، خلاقیت دانش آموزان و همین طور تلاش آن ها را در یادگیری درس بهتر به کار گرفت. از مزایای بسیار عالی آموزش بر خط این بود که به مکان و زمان های خاصی وابسته نبود؛ به این صورت که من

